

گفتگوی با دکتر علی اکبر سلیمانی رهبر؟

متخصص علوم آزمایشگاهی و استادیار دانشگاه

در این شماره از نشریه، پای صحبت های دکتر علی اکبر سلیمانی رهبر نشستیم تا از خدمات و سوابق علمی و تحصیلیش برایمان بگویند. وی متولد اسفند ۱۳۲۳ است و با تحصیل در رشته علوم آزمایشگاهی و داروسازی، سرانجام در سال ۱۳۸۷ با رتبه دانشجویی باز نشست شد. گفتنی است پس از گذشت ۸۰ سال از عمر پربار این استاد فرهیخته، وی همچنان در کسوت آزمایشگاهی فعالیت دارد. در ادامه گفتگویی صمیمانه با دکتر سلیمانی رهبر داشتیم که با وی بیشتر آشنا می شویم.

استخراج شیره معده به روش توپاژ " بود. استاد راهنما، دکتر گاکیک و اساتید مشاور دکتر لاله زاری و خانم دکتر کامیاب بودند.

در سال ۱۳۴۹ پس از پایان دوره داروسازی، به خدمت سربازی رفتم که بعد از طی آموزشی، بعنوان سپاهی بهداشت، مدتی در درمانگاه بهداری دماوند و بعد از آن به بهداری شهرستان محلات به عنوان مسئول آزمایشگاه اعزام شدم. بعد از پایان خدمت سربازی برای تکمیل طرح دوساله خدمت، خارج از مرکز چند ماهی مسئول داروخانه ای در دلیجان بودم.

آقای دکتر چه شد که برای تخصص، آزمایشگاه بالینی را انتخاب کردید؟

من همانطور که گفتم قبل از داروسازی دو سال در رشته علوم آزمایشگاهی تحصیل کردم و در تمام دوران دانشجویی هم به کار در آزمایشگاه مشغول و به آن آشنا و علاقمند بودم. در سال ۱۳۵۲، دانشگاه تهران اعلام کرد از فارغ التحصیلان پزشکی و داروسازی و دامپزشکی دستیار مقیم جهت تخصص علوم آزمایشگاهی بالینی می پذیرد. پس از شرکت در کنکور، در این رشته پذیرفته شدم. همراه اینجانب خانم دکتر اقتداری و آقایان دکتر ناصری، دکتر امامی و دکتر افقهی نیز قبول شدند. در مدت چهار سال در بیمارستان های دانشگاه، زیر نظر اساتیدی چون دکتر احمد آژیر، دکتر سیار، دکتر خرسندی، دکتر ناصر مهدوی، دکتر افلاطونی، خانم دکتر طبیبی و دکتر ابراهیم برال آموزش دیدم. همچنین در

آقای دکتر با سپاس از اینکه وقتی برای مصاحبه گذاشتید، خواهشمندم در آغاز درباره خودتان و خانواده گرامی تان صحبت کنید؟
من دکتر علی اکبر سلیمانی رهبر، در اسفندماه سال ۱۳۲۳ در یک خانواده متوسط در تهران متولد شدم. دوره ابتدایی را در دبستان باباطاهر واقع در محله چهارصد دستگاه و متوسطه را در دبیرستان ابوریحان بیرونی واقع در خیابان دلگشا (این دبیرستان در سال ششم به خیابان عارف منتقل شد) گذراندم. در مورد تحصیلات دانشگاهی: در سال ۱۳۴۲ پس از پایان دوره دبیرستان، اولین رشته ای که در دانشگاه تهران پذیرفته شدم کاردانی علوم آزمایشگاهی بود (در آن زمان کارشناسی این رشته هنوز دایر نشده بود). پس از طی این دوره بعنوان تکنسین آزمایشگاه در بیمارستان دکتر بهداری در شیفت عصر استخدام شدم (این بیمارستان در حال حاضر بنام بیمارستان مردم است). گفتنی است این آزمایشگاه باریاست زنده یاد دکتر میرزاشفیعی اداره می شد.

در همان سال ۱۳۴۴ با شرکت دوباره در کنکور، در رشته داروسازی دانشگاه تهران پذیرفته شدم که با توجه به گذراندن واحدهای آزمایشگاهی و استفاده از تجارب عملی و تئوری آزمایشگاه، به خوبی دوران داروسازی را هم طی کردم و در عین حال در شیفت عصر و همچنین روزهایی که کلاس نداشتم در شیفت صبح در آزمایشگاه بیمارستان انجام وظیفه می نمودم. موضوع پایان نامه داروسازی اینجانب هم در واقع آزمایشگاهی بود با عنوان "بررسی اسیدیته شیره معده با استفاده از رزین تعویض کننده یونی (رزین رنگ شده با بلود و متیلن) از راه خوراکی و دفع ماده رنگی از ادرار به نسبت میزان اسیدینه و مقایسه آن با روش

بخش های بالینی چون بخش عفونی زیر نظر دکتر مژدهی و دکتر یلدا، بخش پوست بیمارستان رازی: استادان دکتر محقق و دکتر سیدی و در بخش کودکان: پروفسور مرندیان کسب فیض نمودم. در ضمن آموزش های بیمارستانی، ساعاتی از روز را در کلاس های تئوری و عملی دانشکده پزشکی در رشته های ایمونولوژی، میکروبیولوژی، بیوشیمی آناتومی و نیز در دانشکده بهداشت زیر نظر اساتید دانشمندی چون دکتر غلامرضا نظری، دکتر فیلسوفی، دکتر سعادت زاده، دکتر ادیب فر، دکتر رضا نفیسی، دکتر محمدیها، دکتر مشیرفاطمی، دکتر عسگری و سایر بزرگان علوم پایه استفاده نمودم.

پایان نامه دوره تخصصی اینجانب هم راجع به تغییرات خون محیطی و مغز استخوان در بیماران مبتلا به سیروز کبدی با استاد راهنمایی دکتر سیار و مشاوره با استاد دکتر برال انجام گرفت.

پس از دوران تخصصی در سال ۱۳۵۶ در دانشگاه شهید بهشتی (ملی قدیم) با رتبه استادیاری استخدام و در آزمایشگاه بیمارستان لقمان حکیم شروع به کار کردم. در

سال ۱۳۵۹ به آزمایشگاه بیمارستان هشتم شهریور واقع در خیابان شهید سرهنگ سخایی منتقل شدم. در سال ۱۳۶۰ به مدت دو سال بعنوان مامور به مرکز داروسازی امیرآباد وابسته به دانشگاه تهران رفته و در بخش میکروبیولوژی دارویی زیر نظر خانم دکتر کمال، به امور میکروبیشناسی دارویی آشنا شدم. در سال ۱۳۶۲ بعد از دوران ماموریت، به دانشکده پزشکی دانشگاه شهید بهشتی منتقل شدم و در بخش میکروبیولوژی به مدیریت دکتر یحیی همتی، شروع به آموزش و پژوهش در رشته میکروبیولوژی نمودم.

بدین ترتیب تا سال ۱۳۸۷ به مدت ۲۵ سال برای دانشجویان در رشته های پزشکی و داروسازی و دندانپزشکی و علوم آزمایشگاهی و دوره های کارشناسی ارشد و تخصص میکروبیولوژی تدریس کرده و نیز به عنوان استاد راهنما در تعدادی از پایان نامه ها فعالیت داشتم که مقالاتی هم در مجلات مختلف به چاپ رسیده است. در نهایت در سال ۱۳۸۷ با رتبه دانشیاری بازنشسته شدم.

در کنار کار دانشگاهی از سال ۱۳۵۶ در آزمایشگاه ها و بیمارستان های مختلف در شیفت عصر مسئولیت

آزمایشگاه های مختلفی را به عهده داشته ام که طولانی ترین دوره در آزمایشگاه بیمارستان طوس به مدت ۲۰ سال بود. در سال ۱۳۸۷ پس از بازنشستگی سهام آزمایشگاه بیمارستان آسیا را از مرحوم زنده یاد دکتر هاشمی تنکابنی خریداری کردم و از آن به بعد در شیفت صبح این بیمارستان به انجام وظیفه ادامه می دهم.

یک خاطره ای که از اساتید زمان کارآموزی در دوره کاردانی دارم سنتز کلر و تولید آب ژاول در آزمایشگاه بیمارستان رازی بود که اینجانب همراه با دو تن از همکلاسی ها اقدام به این کار کردیم و به

خصوص با وسایل آزمایشگاهی آن زمان که بسیار ابتدایی بود، یک مجموعه از لوله و ظروف آزمایشگاهی یک دستگاه تقطیر درست کردیم و از مواد شیمیایی لازم مانند پرمنگنات و کلرورکلسیم تولید کلر کردیم که گاز آن در آزمایشگاه پخش شد و استادان ما خانم دکتر هایده مالک، دکتر افلاطونی و دکتر خورسندی همراه با کارکنان، آزمایشگاه را ترک کردند تا گاز کلر تخلیه شود ولی هیچگونه واکنش تندی

از آنها دیده نشد. یادشان گرمی و روحشان شاد. در زمان تخصص هم این اساتید حضور داشتند؛ البته تمامی اساتید بزرگوار بودند ولی شادروان دکتر نصراله سیار بسیار فرهیخته و متین و علاقه مند به کار بودند. به خصوص که بنده مدت زیادی از دوران تخصص خود، مقوله هماتولوژی را نزد ایشان به خوبی فراگرفتم. در ضمن اساتید نامداری هم در دوران داروسازی داشتیم از جمله:

- دکتر علی زرگری، دکتر حسین گل گلاب و دکتر صالحیان در گیاه شناسی؛
- دکتر گاگیک، دکتر باغدیانس، خانم دکتر کامیاب و دکتر یوسف شاملو در بیوشیمی؛
- دکتر نادر شرقی، دکتر لاله زاری، دکترهما گل گلاب و دکتر عباس شفیعی در بخش شیمی آلی؛

از عمده وظایف اصلی رئیس آزمایشگاه چیست؟

۱- احساس مسئولیت در برابر تمامی بیماران و افرادی که برای آزمایش مراجعه می کنند.

یکی از مهمترین چالش ها که از قدیم، قبل از انقلاب شروع شده و هم اکنون نیز ادامه دارد، عدم همکاری گروه های مختلف آزمایشگاه که شامل متخصصان علوم آزمایشگاهی و پاتولوژیست ها و دکترای علوم آزمایشگاهی و جامعه آزمایشگاهیان با یکدیگر بوده و حتی مخالفت هم بین آنها وجود دارد که امیدواریم این انجمن ها با هم متحد شوند



- ۲- انتخاب افراد فعال و علاقه مند و باتجربه جهت کار در آزمایشگاه.
- ۳- به روزرسانی روش های موجود و استفاده از وسایل و دستگاه های مدرن.
- ۴- آموزش مداوم کارکنان آزمایشگاه.
- ۵- رعایت کامل قوانین و مصوبات وزارت بهداشت و درمان.
- ۶- ملزم کردن کارکنان به احترام به مراجعان و بیماران.
- ۷- ارتباط مناسب با پزشکان و جوابگویی به نظرات و ایرادات آنها.

۸- کنترل دقیق جواب ها قبل از آنکه به دست بیمار و با پزشک برسد.

در مورد نوآوری ها در طول سال های گذشته، فراوان شاهد بودم که بعضی از آزمایش ها که در گذشته متداول بود، در حال حاضر منسوخ شده است مانند آزمایش تیمول که جزو آزمایش های کبدی بوده و به روش کدورت سنجی انجام می شد و یا آزمایش های مربوط به کلسترول که بنام کلسترول توتال و استریفیبه معروف بود. ولی امروزه روش های دقیق جهت کلسترول، تری گلیسرید و HDL LDL به کمک دستگاه های پیشرفته امروزی انجام می شود.

☑ در خصوص چالش های امروز آزمایشگاه ها بفرمایید؟

یکی از مهم ترین چالش ها که از قدیم، قبل از انقلاب شروع شده و هم اکنون نیز ادامه دارد، عدم همکاری گروه های مختلف آزمایشگاه که شامل متخصصان علوم آزمایشگاهی و پاتولوژیست ها و دکترای علوم آزمایشگاهی و جامعه آزمایشگاهیان با یکدیگر بوده و حتی مخالفت هم بین آنها وجود دارد که امیدواریم این انجمن ها باهم متحد شوند.

☑ آینده آزمایشگاه های پزشکی را چطور ارزیابی می کنید؟

آینده آزمایشگاه ها به اوضاع کشور بستگی دارد؛ به خصوص آغاز تحریم ها باعث شد تهیه و خرید تجهیزات و دستگاه های پیشرفته و جدید و مواد مصرفی، مشکل باشد که امیدوارم با

کوشش همکاران و انجمن ها و با دخالت مسئولان محترم مربوطه، هرچه زودتر برطرف شود. توصیه اینجانب به افرادی که بخواهند در آزمایشگاه مشغول کار شوند این است که وظیفه ما کمک به بیماران و ارتقای سلامت جامعه است و نیاز به پشتکار و یادگیری و بروزرسانی اطلاعات دارد.

☑ کلام پایانی:

انگیزه بنده به انتخاب این شغل تا بحال هیچ تغییری نکرده؛ خارج از برنامه های شغلی، سرگرمی های اینجانب شامل رسیدگی به امور خانواده و نزدیکان، میهمانی های خانوادگی، پیاده روی، مسافرت و مطالعه غیر از مسایل پزشکی و گوش سپردن به موسیقی های مختلف است.

بنده در یک خانواده متوسط، از پدری کارمند و مادری خانه دار متولد شدم. در سال ۱۳۵۶ پس از پایان دوران تخصصم ازدواج کردم. حاصل این ازدواج دو پسر است که از هر کدام یک نوه دختر داریم. فرزند بزرگم پزشکی عمومی را در دانشگاه شهید بهشتی و تخصص داخلی قلب را در آمریکا گذرانده است و در آنجا ساکن است. فرزند کوچکترم کارشناس رشته میکروبیولوژی بوده و در تهران شاغل است. در ضمن از زمان ازدواج تا به حال تمام موفقیت های خود و فرزندانم را مدیون فداکاری و از خود گذشتگی های همسر عزیز و مهربانم هستم که مادری نمونه در تربیت فرزندان و به ثمر رساندن آنها بوده است.